ترجمه جدیدی از کتاب جان بولتون

کتاب «اتاقی که در آن اتفاق افتاد»، نوشته جان بولتون به‌تازگی با ترجمه وحیدرضا نعیمی توسط انتشارات بدرقه جاویدان منتشر و راهی بازار نشر شده است. از این کتاب تا به‌حال ترجمه‌هایی توسط انتشارات امیرکبیر، نشر نگاه، نشر ثالث و انتشارات صدای معاصر منتشر و راهی بازار نشر شده است. نسخه‌ای که انتشارات بدرقه جاویدان از این کتاب عرضه کرده، همراه با آلبومی از تصاویر رنگی مرتبط با مطالب کتاب است. / مهر

انیمیشن «باچی» در جشنواره انیفست رزافا

انیمیشن «باچی» ساخته مهین جواهریان در بخش مسابقه یازدهمین جشنواره بین‌المللی فیلم برای کودکان و نوجوانان «انیفست رزافا ۲۰۲۰» آلبانی نمایش داده شد. پیشتر هم مهین جواهریان، انیمیشن‌های «زری زری کاکل زری»، «بارون میاد جرجر»، مجموعه «عروسیه عروسی» شامل «تاج خروسی»، «گندوم دونه دونه»، «تور سفید» و «عروسی شاپرک» را در کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان کارگردانی کرده است. / جام جم دیلی

گفت‌وگو با سیدجمال ساداتیان، نایب‌رئیس انجمن جامعه تهیه‌کنندگان سینما

به روزهای خوب امیدواریم

برای صحبت درباره دورنمای سینمای ایران در این روزگار کرونا می‌شد نزد محمدعلی نجفی، رئیس خانه سینما رفت که اصناف مختلف سینما در زیرمجموعه‌اش فعالیت می‌کنند، اما نجفی می‌گوید تازه این سمت را پذیرفته و تا اطلاع ثانوی با رسانه‌ها گفت‌وگو نمی‌کند. بنابراین سراغ نایب‌رئیس جامعه صنفی تهیه‌کنندگان سینمای ایران رفته و درباره امروز و فردای سینمای ایران با سیدجمال ساداتیان صحبت کرده‌ایم. ساداتیان، از تهیه‌کنندگان باسابقه سینما و تلویزیون است و پرفروش‌ترین فیلم شش‌ماهه اول سال گذشته، یعنی فیلم «متری شیش‌ونیم» را در کارنامه‌اش دارد.

سینمای ما همیشه با مشکل نمایش و اکران فیلم‌ها مواجه بوده و شیوع کرونا هم بیشتر به همین ماجرا لطمه زده و به نظر می‌رسد تولید فیلم به قوت همیشه ادامه دارد!

متاسفانه در سینمای ایران تناسبی بین تولید و توزیع فیلم نداریم. هر سال به‌طور متوسط ۱۰۰ فیلم در سینمای ایران تولید می‌شود اما ظرفیت‌های نمایش در بهترین شرایط پاسخگوی ۴۰ فیلم است. باید دید استانداردهای جهان چطور است. اگر بخواهیم شرایط ایران را به لحاظ جمعیتی با ترکیه مقایسه کنیم، می‌بینیم که این کشور حدود ۳۶۰۰ سالن استاندارد برای نمایش فیلم دارد. درحالی‌که کشور ما با توسعه‌ای که این اواخر ایجاد شده، ۶۰۰ سالن نمایش دارد. درواقع در رتبه‌بندی تولید فیلم در رده هشتمین یا نهمین کشور جهان هستیم اما در زمینه نمایش، کشور یکی مانده به آخر هستیم.

طبیعی است وقتی ابزار نمایش نداریم، گله‌گزاری‌ها هم به‌وجود می‌آید. امیدوارم همان‌طور که همت داریم و فیلم تولید می‌کنیم، همت عالی ایجاد شود و بتوانیم در زمینه سالن‌سازی هم توسعه پیدا کنیم.

شاید اگر در زمینه ساخت سالن‌های سینما توسعه نداشته‌ایم به این دلیل بوده که برای سینمای ما اکران اهمیتی نداشته و بعضی فیلم‌ها فقط ساخته می‌شوند که ساخته شده باشند!

همیشه اکران مهم بوده اما جذابیت تولید فیلم برای دست‌اندرکاران بیشتر از جذابیت سرمایه‌گذاری روی سالن‌های سینماست. همین امروز با وجود گرانی‌ها می‌شود یک فیلم سینمایی را با ۱۰میلیارد تومان تولید کرد اما یک سالن نمایش را با ۱۰۰میلیارد هم نمی‌توان ساخت. ضمن این‌که گردش مالی فیلم سینمایی خیلی سریع‌تر از گردش مالی سالن‌های سینما است. وقتی بین فیلمسازی و سالن‌داری تفکیک قائل شویم، در نتیجه همت لازم برای ساخت سالن در مجموعه مدیریتی و متولیان فرهنگی کشور ایجاد نمی‌شود و به سوالات جواب داده نمی‌شود که آیا سینما را لازم داریم یا نه. اگر لازم داریم چه میزان تولید نیاز داریم و اگر فکر می‌کنیم سینما در پر کردن اوقات فراغت مردم می‌تواند تاثیر مثبت داشته باشد، نباید برایش بودجه مناسب درنظر گرفت، بنگاه‌های اقتصادی را ملزم به مشارکت کرد و برای توسعه فضاهای فرهنگی تسهیلات در نظر گرفت؟ همان‌طور که دولت برای توسعه گردشگری یا صنعت تسهیلات در نظر می‌گیرد، برای توسعه فضاهای فرهنگی هم تسهیلات در نظر بگیرد. به همین دلیل توسعه چندانی در این باره اتفاق نمی‌افتد. چون ساخت سالن سینماگران است و برای اشخاص و بنگاه‌های بخش خصوصی به‌صرفه نیست. بگذریم که این اواخر برخی مراکز خرید بزرگ در کلانشهرها ساخته شده که سالن سینما دارند. این موارد صرفا برای پاخور این مراکز ایجادشده وگرنه مساله حمایت از سالن‌ها در کار نبوده و متولیان فرهنگی

نقشی در آن نداشته‌اند.

متناسب نبودن تولید و اکران و فروش محدود فیلم‌ها همیشه این شبهه را ایجاد کرده که بازگشت سرمایه در سینمای ما اهمیتی ندارد. دقیقا ماجرا از چه قرار است؟

دغدغه‌های سازندگان سبب می‌شود که تولید داشته باشیم. وقتی تهیه‌کنندگان یا کارگردان‌ها اراده می‌کنند که فیلمی بسازند، همه تلاش‌شان را می‌کنند که این اتفاق بیفتد؛ هزینه دستمزدها را پایین می‌آورند یا از بیرون سینما مشارکت می‌گیرند و هرطور شده فیلم‌شان ساخته می‌شود. ساخت سالن‌های سینما هزینه‌بر است. پول‌های کلان هم دست بنگاه‌های اقتصادی بزرگ است که وقتی گردش مالی سینما را می‌بینند، دیگر رغبتی به مشارکت ندارند.

شیوع ویروس کرونا هم بیشتر به بخش اکران و نمایش ضربه زده و نسبت تولید اکران از قبل هم نامتوازن‌تر شده است! فکر می‌کنید در آینده چطور خواهد شد؟

بخش اکران به مردم برمی‌گردد و مسؤولان فرهنگی. سینماگران دست‌کم تلاش و اراده برای تولید فیلم دارند، منسجم‌تر عمل می‌کنند و حرفه و شغل‌شان همین است و در همین زمینه فعالیت می‌کنند. امرار معاش اهالی سینما از تولید فیلم است و به همین دلیل مثل بقیه مردم که خطر بیماری را به جان خریده و مشغول کار شده‌اند، سینماگران هم دارند فعالیت می‌کنند ولی حضور مردم در سالن‌ها و اکران فیلم‌ها از اراده اهالی سینما خارج است. بعد از چند ماه که سینماها با شرایط خاص فعالیت‌شان را از سر گرفتند، شرایط بد نبود و داشت اتفاقات خوبی می‌افتاد. بعد از آن‌که کرونا اوج گرفت و رسانه‌های جمعی مردم را از حضور در تجمعات نهی کرده‌اند، دوباره سینماها گرفتار سکون شده‌اند.

حالا که به ۱۲۰ سالگی سینما در ایران رسیده‌ایم، چه تحلیلی از آینده دارید؟

تولید به این هدف اتفاق می‌افتد که مصرف‌کننده‌ای وجود داشته باشد. مصرف‌کننده تولیدات سینما مردم هستند که تجربه نشان داده به فیلم علاقه دارند و خواهان آن هستند. حتی اگر در داخل ایران فیلم ساخته نشود، قیدش را نمی‌زنند بلکه سراغ فیلم‌های خارجی می‌روند. دسترسی به آثار خارجی هم خیلی سخت نیست. پس بهتر است اشتیاق مردم را با تولیدات داخلی پاسخ بدهیم.

دوست داشتم بدانم امیدی به بهبود وضعیت دارید؟

قطعا امیدوار هستم. همه می‌دانیم این مقطع زمانی را پشت سر خواهیم گذاشت و سینما به راهش ادامه خواهد داد، چون تولیدکننده فعال دارد و همین طور مصرف‌کننده که مردم هستند؛ در نتیجه سینما می‌ماند. فقط باید همه دست به دست هم بدهیم که سینما پویاتر از قبل بتواند به کارش ادامه بدهد.

به زودی سینما نخواهیم داشت

سجاد نوروزی

وضعیت فعلی سینما پیچیده و بغرنج است اما نه‌تنها به‌دلیل شیوع ویروس کرونا و تعطیلی تولید و نمایش فیلم. خیلی قبل از کرونا هم سینمای ایران به لحاظ اقتصادی و محتوایی وضعیت بسامان و مطلوبی نداشت. حالا در آستانه یک ...اهیم و تمام تحلیل‌های گذشته در برابر آن رنگ باخته است. شش ماه ...روع کرونا گذشته و هیچ سیاستی برای کنترل وضعیت فعلی وجود ندارد. ...حجم از بی‌عملی واقعا حیرت‌برانگیز است. به نظر می‌رسد اهالی سینما ...چشم دوخته‌اند به وزارت ارشاد که فکری به حال این وضعیت بکند. اما ...چقدر منابع در اختیار این نهاد است؟ یا بعد از بازگشایی سینماها در تیر ...کدام نهادها به داد سینما رسیده‌اند؟

...وسیما تیزر فیلم‌های سینمایی را پخش نمی‌کند، شهرداری به قول خود ...بیلبوردهای اختصاصی فیلم‌های سینمایی اکران در سالن عمل نکرد ...تاد ملی کرونا هم فقط زورش به مذهب و فرهنگ و هنر رسید. هرجا که ...رین نقش را در میزان ابتلا و شیوع ویروس داشت، بسته و محدود شد و ...وض منعی برای سفرهای غیرضروری وجود ندارد. حتی مدارس بازگشایی ...ه و انگار همه دست به دست هم داده‌اند که سینمای ایران زمین بخورد. ...ن بعد از چند ماه به این نتیجه رسیده که فرهنگ و هنر دوباره جریان ...رد؛ سینماها باز شده‌اند، فیلم کریستوفر نولان سینماهای اروپا و ...می از آمریکا را تکان داده و ما در حال نابودی موجودیتی هستیم که با ...اشکالات و معایبش، سدی نیم‌بند در برابر کالاهای هنری خارجی بود و ...قل بخشی از اوقات فراغت مردم را پر می‌کرد.

...نماهای ایران با رعایت پروتکل‌های بهداشتی در حال کارند اما در ...نه‌ها اتعکاسی از این فعالیت نمی‌توان دید. مخاطب سینما از گذشته ...کمتر شده، سالن‌ها در آستانه تعطیلی هستند و مدیران فرهنگی ...ز نیاز به یادآوری دارند که اهالی هنر هم حق زندگی دارند و باید امکان ...شت‌شان فراهم شود. مگر کم است تعداد کمپانی‌های بزرگ فیلمسازی ...المللی در کشورمان که می‌توانند به‌سادگی هنرمندان ما را بقاپند؟! وقتی ...ران فیلم‌ها مشکل ایجاد شود و وضعیت اقتصادی سینما نامطلوب ...د، تولید تحت تأثیر قرار خواهد گرفت و در نتیجه با کند شدن چرخه ...د، کمپانی‌های خارجی اقدام به جذب هنرمندان داخلی می‌کنند و از این ...امانی بهره می‌برند تا در ایران فیلم‌ها و سریال‌های خودشان را بسازند. ...وان نمونه نتفلیکس در همه کشورهای دنیا و حتی منطقه نمایندگی ...و مشغول فعالیت است. چرا فکر می‌کنیم که نمی‌تواند وارد کشور ...ود و اینجا فیلم بسازد. شیوه مدیریت فرهنگی در کشورمان بیشتر ...ت به بیگانه است و راه نفوذ را باز می‌کند. آیا هنوز وقتش نرسیده که ...ت ارشاد با تمام توان وارد عمل شود و زیر بال سینما را بگیرد که اگر چنین ...د چه بسا دیگر چیزی از سینما برایمان نماند.

وزیر فرهنگ در ارتباط زنده تصویری با خانواده شهید صوفی

سینماگران شهید در سه‌شنبه‌های تکریم

سلسله نشست‌های طرح ملی «سه‌شنبه‌های تکریم» مدتی است با حضور سیدعباس صالحی، وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی به‌صورت ارتباط زنده تصویری برگزار می‌شود و این طرح در گام یازدهم به تجلیل از خانواده ناصرعلی صوفی اختصاص داشت. سید عباس صالحی این نشست را با سخنانی درباره اردبیل شروع کرد و این‌که تمام ایران به این استان هم به‌عنوان یکی از پایگاه‌های مذهبی کشور و هم پایگاه ایستادگی در مقابل دشمن مدیون است. وزیر ارشاد ادامه داد: امروز فرصتی فراهم شد به‌صورت مجازی به خدمت این خانواده شهید برسیم و این‌که چنین جوانانی چگونه پای اعتقادات، وطن و انقلاب اسلامی ایستادند. این خانواده شهید پدری دارد که از ابتدای تولد، لباس احرام را به تن فرزند خود می‌کند که درنهایت به لباس شهادت او تبدیل شده است. این خانواده در تربیت فرزندان خود بسیار تلاش کردند و همین امر باعث شد سه فرزند از این خانواده کنار هم در جنگ تحمیلی از وطن خود دفاع کنند.

صالحی در دیداری که به بهانه فرارسیدن روزملی سینما تدارک دیده‌شده بود، یادآور شد پدر شهید صوفی و خودش از تلاشگران در این عرصه بودند. وزیر ارشاد تصریح کرد: در دوره دفاع مقدس بیش از ۱۳۰ شهید سینماگر داشته‌ایم، این شهدا در بخش‌های مختلفی از حوزه سینما اعم از بازیگری، کارگردانی، نویسندگی، فیلمبرداری و ... فعالیت داشتند. در اوایل انقلاب و پس از عبور از سینمای قبل از انقلاب حضور این تعداد از شهدای سینماگر بیانگر آن است که سینماگران وظیفه خود دیدند که به‌عنوان رزمنده یا روایتگر جنگ در این جهاد حضور داشته باشند.

وزیر ارشاد یادی هم کرد از رسول ملاقلی‌پور که از سینماگران دفاع مقدس است و بعد از ستودن آثارش ادامه داد: شهید ناصرعلی صوفی مختص زمان خودش نبود بلکه حضور او در حال حاضر مکتب علوی را زنده نگاه می‌دارد و امید است خون شهدا چراغ راه ما باشد.

بخشی از این ارتباط زنده تصویری به صحبت‌های حجت‌الاسلام حبیب‌رضا ارزانی، دبیر ستاد عالی کانون‌های فرهنگی-هنری مساجد اختصاص داشت که طرح ملی سه‌شنبه‌های تکریم با کمک وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی را غنیمت دانست. در بخشی دیگر سید ناصر احقاقی، مدیرکل فرهنگ و ارشاد اسلامی اردبیل و ندایی، معاون سیاسی اجتماعی استاندار اردبیل نیز درباره هفته دفاع مقدس و شهید صوفی صحبت کردند.

محمدحسن صوفی برادر شهید با تشکر از تمام کسانی که این طرح را راه‌اندازی کردند، گفت: برادرم در وصیت‌نامه خود نوشته است من از ساعت ۲ و ۳۰ دقیقه نیمه‌شب بیدارم و وقتی جوانان جان برکف و آماده جهاد و شهادت را می‌بینم بر آنها غبطه می‌خورم.

شهید ناصرعلی صوفی، قائم‌مقام و جانشین گردان قاسم (ع) از لشکر ۳۱ عاشورا در ۲۰ دی ۱۳۶۵ در منطقه عملیاتی شلمچه به مقام رفیع شهادت نائل آمد. این شهید به همراه پدر خود در حرفه سینما فعالیت داشته است

ضمایر [او]

باز هم عاشقانه‌های قبانی

یک مجموعه شعر عاشقانه از این شاعر عرب در ایران منتشر شد

نزار قبانی را خیلی‌ها در جهان دوست دارند، عاشقانه‌هایش آن‌قدر لطیف هستند که ترجمه هم از زیبایی‌شان چندان نکاسته و خیلی‌ها مشتاق خواندن هر شعری است که نام این شاعر و دیپلمات اهل سوریه بر آن نقش بسته باشد.

او در دنیای عرب از شهرتی بی‌همتا برخوردار است و البته شعرهایش به اکثر زبان‌های دنیا ترجمه شده‌اند. قبانی هر چند شعر سرودن را از ۱۶ سالگی شروع کرده، اما در سال ۱۹۴۴ در رشته حقوق دانشگاه دمشق درس خوانده و در وزارت خارجه سوریه به کار مشغول شده است، او به‌عنوان دیپلمات تجربه حضور در شهرهای قاهره، لندن، بیروت و مادرید را داشته، اما در ۱۹۶۶ کار دیپلماسی را رها کرد و فقط به شعر پرداخته است. با شکست و عقب‌نشینی اعراب در مساله فلسطین، از شعر عاشقانه به شعر سیاسی و شعر مقاومت روی‌آورده، خودکشی خواهرش در ناکامی عاشقانه، مرگ پسر نوجوانش به بیماری قلبی، کشته‌شدن همسرش بلقیس‌الراوی در بمبگذاری سفارت عراق در بیروت، از جمله اتفاقاتی است که بر شعر او تاثیر بسیار گذاشته است. نزار در کتاب داستان من و شعر می‌نویسد: «بیشتر اشعارم را به سفر مدیونم اگر مانند میخ خیمه در خاک وطنم فرو مانده بودم چهره شعرم به چه حالتی درمی‌آمد. از دمشق دور افتادم. زبان‌های دیگری آموختم، اما الفبای دمشقی‌ام چسبیده به انگشتان، گلو و جامه‌هایم. همان کودکی ماندم که آنچه در باغچه‌های دمشق از نعناع، نیلوفر و نسترن بود، هنوز در کیف دستی خود دارد. در هر مهمانخانه جهان که رفتم دمشق را با خود بردم و با او روی یک تخت خوابیدم.»

در ایران هم ترجمه‌های متفاوتی از شعرهای قبانی منتشر شده است. آن‌طور که فارس نوشته به‌تازگی یک کتاب دیگر هم از سروده‌های این شاعر برجسته جهان عرب منتشر شده است. «برایت نامی سراغ ندارم» عنوان مجموعه‌ای از عاشقانه‌های کوتاه نزار قبانی است که به‌تازگی با ترجمه سودابه مهیجی روانه بازار کتاب شده است. مهیجی درباره ترجمه این اثر می‌گوید: «برایت نامی سراغ ندارم» عنوان ترجمه مجموعه‌ای از عاشقانه‌های کوتاه نزار قبانی است که به‌تازگی منتشر شده است.

او با بیان این‌که گزینش‌هایی برای ترجمه از شعر قبانی صورت گرفت اظهار می‌کند: گزیده اشعار نزار قبانی شامل عاشقانه‌های کوتاه است که در ۷۲ صفحه از سوی نشر علم روانه بازار کتاب شده است. مهیجی در بخش دیگر با تاکید بر این‌که «برایت نامی سراغ ندارم» ۵۹ قطعه شعر از این شاعر برجسته را شامل می‌شود، می‌گوید: علاقه‌مندان در این اثر می‌توانند عاشقانه‌هایی کوتاه از این شاعر را بخوانند.

خواندنی

۲ کتاب‌های تازه از رزمندگان دفاع مقدس و دفاع از حرم

دو کتاب «رد پای مه» و «ساعت ۵ بود» با محوریت تاریخ شفاهی دفاع از حرم و سال‌های دفاع مقدس توسط انتشارات سوره مهر منتشر و راهی بازار نشر شدند. «ردپای مه» دربرگیرنده خاطرات شفاهی علی پرشکوهی از جنگ سوریه است که طی سال‌های ۹۴ تا ۹۶ در این کشور حضور داشته است. کتاب «ساعت ۵ بود» هم خاطرات حسین سهمی از آزادگان و جانبازان دوران دفاع مقدس را در بر می‌گیرد. / مهر

عدد چهارم

۱۰ جایزه‌ای برای پایان نامه‌ها

دبیرخانه جایزه دکتر فتح‌ا... مجتبایی، فراخوان شرکت در دهمین دوره این جایزه را منتشر کرد. دانشجویان دوره دکتری در رشته‌های ادیان و عرفان و زبان و ادبیات فارسی که در سال ۹۸ از پایان‌نامه خود دفاع کرده‌اند می‌توانند یک نسخه از پایان‌نامه خود را، همراه با ذکر نشانی و مشخصات، تا پایان مهر ۹۹ به دبیرخانه این جایزه، واقع در خیابان شهید بهشتی، خیابان شهید احمد قصیر (بخارست)، نبش کوچه سوم، شماره ۸، مرکز فرهنگی شهر کتاب ارسال کنند. / ایبنا

ترجمه فارسی رمانی از لئونارد کوهن

کتاب «بازنده‌های نازنین» نوشته لئونارد کوهن، ترانه‌سرا، آهنگساز، خواننده و نویسنده کانادایی و خالق و با ترجمه محمد رزازیان، توسط نشر نیماژ منتشر و روانه بازار کتاب شد. این دومین رمان لئونارد کوهن است که همزمان با ورود او به عالم موسیقی و شهرت عالمگیرش در دهه ۱۹۶۰ میلادی منتشر شد و پس از آن دیگر رمانی ننوشت هرچند به نویسنده‌ای شناخته‌شده و عجیب تبدیل شده بود. / جام جم دیلی

عدد سوم

حادثه می‌آفریدم. اما این بار دیگر خبری از ماشین و ماشین‌بازی نیست. البته پنج چشم هم مثل بقیه فیلم‌های اکشن از صحنه‌های اکشن تعقیب و گریز ماشین‌ها بهره می‌گیرد، اما محوریت داستان روی این موضوع بنا نشده است. تماشاگران سینما با این اکشن جاسوسی، چهره تازه‌ای از مرا خواهند دید.» با آن که هنوز کلید فیلمبرداری پنج چشم زده نشده، رسانه‌ها پیش‌بینی می‌کنند این اکشن دلهره‌آور تبدیل به یک مجموعه فیلم سینمایی دنباله‌دار شود. گای ریچی هم این موضوع را رد نمی‌کند و عقیده دارد نوع استقبال تماشاگران فیلم از آن، تکلیف این موضوع را روشن می‌کند. با این وجود، خود او مایل است که قسمت‌های بعدی پنج چشم هم تولید شود. تهیه‌کنندگان فیلم، هزینه‌ای ۵۰میلیون دلاری برای ساخت آن در نظر گرفته‌اند. ریچی که از فیلمسازان مستقل انگلیسی است، قبل از این فیلم‌های پرخرجی چون دو قسمت اول و دوم شرلوک هلمز، شاه آرتور و علاءالدین را برای شرکت‌های بزرگ فیلمسازی کارگردانی کرده و قرار است دومین قسمت علاالدین را هم بسازد.

سال گذشته اکشن دلهره‌آور و مستقل «جنتلمن» این فیلمساز موفق به فروش جهانی خوب ۱۱۵میلیون دلاری شد. این فیلم که هجوی تلخ و طنزآمیز بر گونه اکشن بود، با بازی متیو مکوناهی اکران عمومی شد. ریچی در ابتدا قصد داشت نقش اصلی فیلم را به استاتام بدهد. / ددلاین

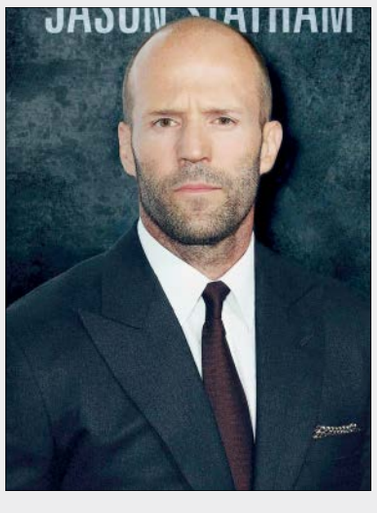

سینمای جهان [کات]

فیلمنامه‌نویس اسکاری درگذشت
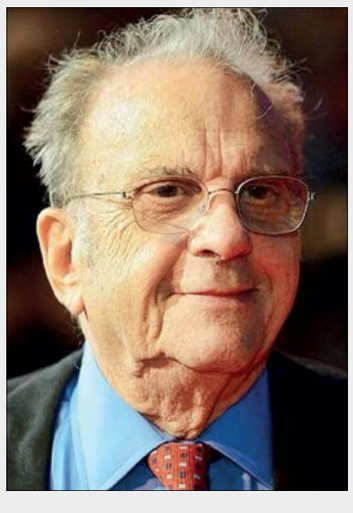
سِر رونالد هاروود فیلمنامه‌نویس برنده اسکار و نمایشنامه‌نویس ۸۵ ساله سرشناس، دیروز سه‌شنبه ۸ سپتامبر برابر با ۱۸ شهریور بر اثر کهولت سن درگذشت. وی بود. این نویسنده بریتانیایی جایزه اسکار بهترین فیلمنامه اقتباسی را برای «پیانیست» فیلم رومن پولانسکی در سال ۲۰۰۳ دریافت کرد. وی نامزدی در همین بخش را برای نوشتن «خیاط» ساخته پیتر ییتس در سال ۱۹۸۳ و «لباس غواصی و پروانه» در سال ۲۰۰۷ دریافت کرده بود. او به عنوان یکی از نامدارترین نویسندگان درام پس از جنگ بریتانیا شناخته می‌شود و از چندین نمایشنامه وی از جمله «خیاط» و «کوارتت» اقتباس سینمایی شده است. نوشتن فیلمنامه «استرالیا» برای باز لورمن با بازی نیکول کیدمن و هیو جکمن و «اولیور توئیست» در سال ۲۰۰۵ برای پولانسکی، «جولیا بودن» با بازی آنت بنینگ و «عشق در دوران وبا» از دیگر آثار مشهور اوست. «نوشیدن چای با استالین»، «ایوانف» و «لباس غواصی و پروانه» از نمایشنامه‌های موفق هاروود است. این نویسنده چندین جایزه در کارنامه‌اش داشت و نشان شوالیه را برای خدماتی که به عرصه نمایش ارائه کرده بود در سال ۲۰۱۰ از ملکه بریتانیا دریافت کرد. همچنین جایزه بفتا را دو سال پیش از آن برای بهترین اقتباس از «لباس غواصی و پروانه» گرفته بود. / مهر